

سید محمد حسینی، جوان محله امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> سومین نمایشگاه انفرادی خود را در محله برگزار کرد

## حرف زدن یک هنرمند با هم محله‌ای‌ها

۵

عیدگاه

استفاده شده است و چون در محله گلشهر زندگی می‌کنم، یکی از هدف‌های من، آشنایی بیشتر هم محله‌ای‌هایم با درون خودشان بوده است. به اعتقاد محمد حسین جعفری، مدیر خانه و موزه فرهنگ و هنر گلشهر، نمایشگاه «بودن یا نبودن» رؤیای رویی فرد با خودش و اندیشه‌هایش است. اومی‌گوید: هنرمند از عنصرهای ارتباطی در بدن مثل گوش، چشم، بینی و حتی دهان که علاوه بر انتقال پیام به عنوان عاملی برای دریافت پیام است، استفاده هوشمندانه‌ای کرده است. وقتی چنین نمایشگاهی با چنین سطحی در گلشهر برگزار و با استقبال روبه‌رو می‌شود، نشان می‌دهد که مردم محله به خصوص نسل جوان دوست دارند ضمن احترام و نگهداشتن آداب و رسوم قدیم، از سنتی بودن به مدرنیته شدن روی بیاورند و با سطح آگاهی جهانی پیش بروند.

هنر در همین نکته است. گاهی هنر تو را غمگین می‌کند و گاهی منجر. گاهی هم ممکن است وحشت‌رو به روشن شدن فرد با خودش را همراه داشته باشد.

اسماعیل یزدانی که محو یکی از آثار شده و با صاحب اثر مشغول گفت‌وگو است، در ادامه می‌گوید: محتوای آثار به خوبی نشان می‌دهد که فضای ذهنی هنرمند سرشار از طراوت و تمایل به زنده بودن و دعوت به خودشناسی است. پرداختن به مفاهیم عمیق فلسفی و موضوع عمیق چپستی انسان در اینجا به خوبی احساس می‌شود.

سمانه صفری، یک از بانوان عکاس گلشهر، می‌گوید: وقتی آثار نسل جوان محله را می‌بینم، شگفت زده می‌شوم. علی‌ه‌آن جوانی بیست ساله است که بیشتر از سن خود، مسائل اطراف را درک کرده است و این موضوع به خوبی در آثارش دیده می‌شود.

### ● آشنایی با درون

سید محمد حسینی، هنرمند این آثار، هدف اصلی از برپایی نمایشگاه را تغییر دیدگاه درباره مرگ و زندگی معرفی می‌کند و می‌گوید: می‌خواهم به مردم نشان بدهم مرگ تیره نیست. همان طور که می‌بینید در این آثار بر خلاف تصور عمومی جامعه، از جمجمه به عنوان نماد زندگی

مرضیه میرزاپور اوارد حیاط که می‌شوم، تابلوهای نقاشی به ردیف روی پایه چیده شده‌اند. آهنگ آرام بخشی پخش می‌شود و بوی باران، عطر خاصی به محیط داده و فضای هنری تر کرده است. بساط چای و شیرینی نیز درآماده است تا مخاطب، دهان خود را شیرین کند و با لبخند وارد نمایشگاه شود. نمایشگاه «بودن یا نبودن» سید محمد حسینی با نام هنری «علیهان» با ۲۵ اثر به سبک سورئال از ۱۲ آذر ۱۴۰۴ به مدت سه روز در خانه فرهنگ و هنر محله شهید آوینی دایر شد.

### ● مفاهیم قاب‌های مخملی

آثار در یک طیف رنگی مشخص دسته‌بندی شده است، یعنی از رنگ آبی شروع شده، به رنگ قرمز ادامه دارد و با رنگ مشکی به پایان رسیده است. نقاشی‌های این بار روی بوم کشیده نشده‌اند و هنرمند با استفاده از صنعت چاپ و خلایق، برداشت خود از مسئله‌ها را روی پارچه مخمل چاپ کرده و قاب گرفته است. مرضیه بخشی، یکی از بانوان فعال و گرافیکست محله، در بازدید از نمایشگاه می‌گوید: استفاده از عناصری که نشان دهنده مرگ و زندگی است، در این آثار به خوبی نمایان است و بیان تصویری خوبی دارد. این نمایشگاه برای من دو برداشت دارد: یا اینکه تسلیم شوم و با مرگ یک موضوع کاملاً از بین می‌روم، یا اینکه از تجربه به دست آمده استفاده کنم و به زندگی جدیدی برسم.

فاطمه سجادی، یکی دیگر از هنرمندان گلشهری، می‌گوید: وقتی آثار را دیدم، متوجه شدم اینجاک نمایشگاه معمولی نیست و در آن، با مفاهیم عمیقی از انسان بودن مواجه می‌شوم. من فکر می‌کنم هنرمی‌تواند همیشه مورد تأیید همه افراد جامعه باشد و زیبایی



کاراته‌کار نوجوان محله پورسینا روی سکوی مسابقات آسیایی  
قدم گذاشته است

## اشک شوق در اوج

امید محله

دوره مسابقات آسیایی کیوکوشین WKFB بود و من به مقام اول دست پیدا کردم. رقابت واقعاً سخت بود، اما قبلش خیلی تمرین کرده و مطمئن بودم می‌توانم طلا بگیرم.

### ● چه عواملی باعث موفقیت است؟

تشویق‌های پدر و مادر و حمایت مربی‌ام.

### در خود کاراته، چه چیزی برای جذب‌تر است؟

هیجان و انرژی آن. موقع تمرین هیچ وقت خسته نمی‌شوم و همیشه انگیزه دارم.

### ● تمرینات چطور است؟ خسته‌کننده نیست؟

برای من همیشه لذت بخش است. وقتی تمرین می‌کنم، انگار زمان زود می‌گذرد. مربی‌ام تمرین‌ها را طوری طراحی می‌کند که هم پیشرفت کنم، هم انگیزه‌ام حفظ شود.

### ● الگوی ورزشی‌ات چه کسی است؟

مربی‌ام، خانم عزتمند. خیلی مهربان است، اما وقتی لازم باشد سخت‌گیر می‌شود تا ما شاگردان پیشرفت کنیم. همیشه پرانرژی و پرتلاش است و برای همین دوست دارم در آینده شبیه او شوم.

### ● برای آینده چه رؤیایی داری؟

می‌خواهم در مسابقات بین‌المللی شرکت کنم و مدال‌های مهم‌تری به دست بیاورم. علاوه بر آن دوست دارم روزی مربی شوم تا بتوانم مثل مربی خودم به بچه‌های دیگر انگیزه بدهم و کمک کنم استعدادشان را پیدا کنند.

اولین تجربه سفر بدون پدر و مادرم بود و خیلی استرس داشتم، حتی دلم برایشان تنگ می‌شد. اما در نهایت توانستم اول شوم.

### ● کدام مسابقه برایت

خطرناک‌تر بوده است؟

مسابقات قهرمانی استان در سال ۱۴۰۳. در بخش کاتا اول شدم. رقیب خیلی سختی داشتم و اصلاً فکر نمی‌کردم برنده شوم. وقتی اسمم را اعلام کردند، فقط گریه می‌کردم. برایم لحظه قشنگی بود.

### ● مهم‌ترین مدالی که تا امروز گرفته‌ای،

کدام است؟

مدال مسابقات آسیایی اهواز در اسفند ۱۴۰۲. نخستین



نیکو عقیده | خانه ۹ سهرابی

ندارد و چهار سال از ورودش به دنیای کاراته می‌گذرد، اما با این سن کم، چندین مدال استانی، کشوری و آسیایی در کارنامه‌اش دارد. آرام و کم صحبت است اما پرانگیزه. از کودکی دل در گرو ورزش‌های رزمی داشته و حالا کاراته برایش چیزی بیشتر از یک رشته ورزشی است؛ مسیری است که این نوجوان محله پورسینا با علاقه بسیار می‌خواهد آن را تا زمانی که می‌تواند، ادامه بدهد.

### ● چطور با دنیای کاراته آشنا شدی؟

وقتی شش هفت ساله بودم، خانواده‌ام مسابقات کاراته را از تلویزیون تماشا می‌کردند و کاراته‌کارها را تشویق می‌کردیم. این برایم خیلی هیجان‌انگیز بود و همان موقع دلم خواست مثل آن‌ها باشم. پدر و مادر هم وقتی علاقه‌ام را دیدند، مراد را با نگاه ثبت نام کردند.

### ● کجا تمرین می‌کنی؟

در مجموعه ورزشی المهدی<sup>(ع)</sup>. مربی‌ام، خانم عزتمند. از همان روزهای اول گفت استعداد زیادی دارم و اگر تلاش کنم، می‌توانم موفق شوم. همین حرف‌ها باعث شد بیشتر از قبل انگیزه پیدا کنم.

### ● اولین مسابقه‌ای را که شرکت کرده‌ای،

یادت هست؟

مسابقات کشوری کیوکوشین که سال ۱۴۰۲ در شیراز برگزار شد. در رشته کمیته و در دره سنی خردسالان، مقام اول را آوردم.